

مجله بررسیهای تاریخی

مؤلف محقق و محترم کتاب « مقدمه بر شناخت اسناد تاریخی » در شماره ۱۵ قسمت ضمیمه ص ۳۵۸ از شاه اسماعیل صفوی فقط يك مهر گلابی شکل که نام دوازده امام و بعد اسماعیل بن حیدر صفوی در آن منقور بوده بیان کرده اند. چون در کلسیون فرامین اینجانب فرمائی است از شاه اسماعیل مورخ ۹۰۹ که مهر آن بشکل دایره میباشد و آیات قرآنی (آیت الکرسی) و سپس نام شاه اسماعیل (اسماعیل بن حیدر بن جنید صفوی) در آن منقور است. لذا فتو کپی فرمان مذکور و متن آن در پیوست تقدیم میگردد، در صورت موافقت جهت مزید استفاده در مجله چاپ شود.

باتقدیم احترام

تبریز - رسول‌آلاف نتهی

بسم الله الرحمن الرحيم  
 ابوالمظفر اسماعیل بهادر سیوزمیز

داروغ و ملکان و کلانتران و کدخدایان و رعایا درماریات بدانند که درینوقت عنایت و اشفاق پادشاهانه و مرحمت و الطاف خسروانه شامل حال مسماہ بیکہ سلطان خواہر مرحوم ملک شاہ علی در ۰۰۰ محدودہ مزرع بہناباد کہ ملک والد مشار الیہا بودند و شققت فرمودیم و معاف و مسلم گردانیدیم باید کہ براینموجب مقررہ ہیچ آفریدہ در مزرعہ مذکورہ مدخل نہساید بتصرف ۰۰۰۰۰۰ و بعلمت مال و اخراجات و عوارضات و شلتاقات از علفہ و علوفہ و قتلکاو بیکار و شکار ساقدی و پیشکش و عیدی و نوروزی و الاغ و الام و حق - السعی و رسوم داروغگی و جمیع تکالیف دیوانی مزاحم و متعرض نشوند و قلم و قدم کوتاہ و کشیدہ دارند و ہیچ وجہ من الوجوہ پیرامون نگردند و این ... را دربارہ مشار الیہا انعام مخلص و موبد دارند و تعرض بمزرعہ مذکور و مزارعان آنجا نہمایند در ۰۰۰ قدغن لازم شناسند و در استمرار و استقرار آن کوشند و ہر سالہ نشان مجدد نطلبند و این مقتضی ۰۰۰ در نگذردند و در عہدہ دارند و از شکایت محترز باشند و چون بتوقیع رفیع الشرف اعلیٰ رسید اعتماد نمایند .

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

تحریر آرایع محرم الحرام سنہ تسع و تسمائہ

محل مهر

❖❖

ختم بالخیر (در کنار فرمان)

❖ در فتوکپی « بسم الرحمن الرحیم » دیدہ نمیشود ولی در اصل فرمان موجود است.

❖ مضمون مهر ( آیت الکرسی و بعد حفظہما اللہ العلی العظیم اسماعیل بن حیدر بن

جنید صفوی )

الخطبة

بسم الله

الحمد لله الذي جعلنا من خلقه

سائلين

عن حالنا في الدنيا والآخرة

مؤمنين

والمسلمين من أمة محمد صلى الله عليه وسلم

الذين هم خير أمة أخرجت للناس

لقد بعثنا في كل أمة رسولا

مما أمروا به ونهى عن

الظلم والظلمات

فإنهم كانوا قومًا



## مجله بررسیهای تاریخی

محترماً در مجله تاریخ و تحقیقات ایران شناسی شماره یک (فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱) در صفحه ۱۵۷ سند تاریخی فتحنامه اصفهان توسط دانشمند ارجمند آقای محمد شیروانی معرفی شد که در مورد تاریخ آن اطلاعات خوانندگان را خواستار شده بودند.

چون سند مزبور بدون تاریخ میباشد و مجله از خوانندگان خود جهت تعیین تاریخ آن سند نظریه خواسته است. لذا اینجانب اطلاع خود را بشرح ذیل تقدیم میدارم.

اول در ذیل سند جمله (الله تعالی الاقطار) نوشته شده است که با حساب ابجد برابر است با سال ۱۰۰۰ هجری قمری بدلیل اینکه کاتب سند بنظر بنده از روی اجبار جهت حفظ تاریخ سند بجای کلمه (الله تعالی) به الله تعالی اکتفا کرده است و گرنه ادیبی مثل نویسنده آن فتحنامه غیر از اجبار صحت تاریخ سند، مورد دیگری نداشته که جمله را ناقص پای سند بنویسد.

دوم متن فتحنامه نیز دلالت به دوران سلاطین صفوی مثل شاه طهماسب اول یا شاه اسمعیل صفوی میماند فقط نکته ای که مشکوک بنظر میرسد فاقد بودن فتحنامه از جمله علی ولی الله میباشد.

و اما نظریه دیگر اصل خطوط سند با اسناد قرن هفتم مطابقت دارد که نمونه خط آنرا در مجله نامه قدس رضوی شماره چهارم دوره هفتم دیدم که عکسی از قدیمی ترین نسخه دیباچه گلستان سعدی نوشته اندو عکس قدیمی آن نسخه نیز در نامه قدس بچاپ رسیده است که در حاشیه صفحه (۸۰) نامه قدس کاتب تاریخ آنرا چنین نوشته است. (الحمد لله رب العالمین تمام شد این رساله علی ید العبد الفقیر احمد بن محمد حسین قاموس فی تاریخ محرم سنه سبعماه) و خلاصه نمونه های الفبائی سند فتح نامه اصفهان و آن دیباچه باهم بسیار شباهت لغتی دارد.

و اما نظریه سوم اگر فقط جمله ( فی الاقطار ) را تاریخ قرار دهیم به سنه ۴۳۲ تبدیل خواهد شد که اگر تاریخ وفات فردوسی سنه ۴۱۱ باشد معلوم میشود این فتح نامه در عهد سلطان محمود یا مسعود غزنوی نوشته شده است. که امیدوارم این سه نظریه بنده یکی از آن مقرون به صحت باشد .

باتقدیم احترامات فائقه

غلامعلی ملا ابراهیمی

۱۳۵۱/۶/۲۸

### مجله بررسیهای تاریخی

مجله بررسیهای تاریخی برای دانشجویان امریکائی همیشه بسیار مفید و جالب است. من نیز این مجله را بسیار مفید و با ارزش می دانم .

در شماره سوم سال ششم آن مجله مقاله ای تحت عنوان ( ارتش ایران در دوره زندیه ) بقلم آقای دکتر پرویز رجبی نوشته شده بود و سپس در شماره پنجم سال ششم ملاحظات انتقادی آقای دکتر مهدی روشن ضمیر در بخش خوانندگان و ما درج شده بود. لازم می دانم که در برابر مطالب آقایان رجبی و روشن ضمیر این نکات روشن شود :

۱ - آقای رجبی خاطر نشان کرده بودند که در دوره زندیه ایران فاقد نیروی دریائی بود<sup>۱</sup> در حالیکه بسیاری از مدارک تاریخی ایرانی و اروپائی حضور نیروی دریائی را در خلیج فارس نشان داده است. این اختلاف عقیده با خاطر نشان ساختن تفاوت بین اینکه نیروی دریائی مربوط بر حکومت بوده یا مردم خلیج فارس قابل حل میباشد .

۱- آقای دکتر رجبی ، ارتش ایران در دوره زندیه ، بررسیهای تاریخی شماره ۳ سال

ششم ، ص ۱۰۱

در حقیقت نیروی دریائی حتی در قرن هیجدهم میلادی کاملاً دولتی نبوده بلکه اکثرأ بنادر ایران در خلیج فارس بدست مردم افتاده و هر بندری چند کشتی داشت و شامل چند قریه بود و وقتیکه آقای نیبور C. Niebuhr تذکر می دهد که عربها خود مختار بودند منظور ایشان همان نیروی دریائی آنها میباشد و تنها وقتی که مردم با حکومت ایران شروع همکاری کردند ، میتوان گفت که ایران دارای نیروی دریائی شد. و این نیرو از همکاری مردم عرب و ایرانی و هندی تشکیل یافته بود .

۲- هنگامیکه آقای د کتر روشن ضمیر بیان کرد که نیروی میر مهنای بعد از شکست بدست کریم خان افتاد<sup>۲</sup> کاملاً درست است ولی بعداً در ادامه نوشته هایشان که مینویسند « دولت ایران در زمان زندیه دارای آنچنان نیروی دریائی بوده است ... »<sup>۳</sup> باید با ایشان نیز مانند آقای رجبی موافقت نکنیم زیرا نه حکومت ایران و نه خود کریم خان کشتیهای خاص رانداشتند ولی ساکنین خلیج فارس حتی ناخدایان و راهنمایان و ملوانان با حکومت ایران و شخص کریم خان همکاری نزدیک داشتند .

۳- مثلاً در سال ۱۱۸۶ هـ . ق شیخ نصیر از بندر بوشهر دریابگی رانامزد کرده بود که برای حمله به عثمانی از سایر بنادر ایران کشتیهای را جمع کند و دیگر در سال ۱۱۹۴ هـ . ق یعنی یکسال بعد از مرگ کریم خان شیخ نصیر دریابگی را با همه ناخدایان و ملوانان عرب برای محاصره و اسیر کردن یاغی عرب ، بقیرخان از تنگستان مأمور کرد و آنها کاملاً موفق شدند . و بسیار جالب است که درست بعد از پنج سال شیخ نصیر یکبار دیگر برای محاصره جزیره بحرین سعی در جمع کردن ناخدایان و ملوانان از بنادر خلیج فارس کرد ولی این بار موفق نشد. بنابراین در موقع صحبت درباره دوره زندیه استفاده از کلمه همکاری بهتر از استفاده از کلمه مالکیت میباشد .

۲ - آقای د کتر روشن ضمیر « خوانندگان و ما ، بررسیهای تاریخی ، شماره ۵ سال ششم ، ص ۱۹۹ .  
۳ - همین شماره ، ص ۲۰۴ .

بطور کلی پژوهش درباره تاریخ ارتش در دوره زندگی بسیار جالب است بشرطیکه تفاوت‌های تاریخی مانند آنهایی که در بالا ذکر شد مورد توجه واقع شوند. برای مثال پژوهش درباره تاریخ اقتصاد - اجتماعی کاملاً مفید خواهد بود همچنین سؤالاتی راجع به ساکنین مختلف خلیج فارس و جنوب ایران مثلاً همکاری بین تجار هندی و ایرانی و ارمنی در بنادر مختلف مانند بندرعباس، بندرلنگه و بندر بوشهر یا شهرهایی مانند کرمان، سیرجان و شیراز در دوره افشاریه و زندیه و قاجاریه مطالعه گردد.

ما خوانندگان مشتاقانه منتظر خواندن مقاله‌های جالب بیشتری از آقایان رجبی و روشن‌ضمیر در این مجله محترم هستیم.

با تقدیم صمیمانه‌ترین احترامات

Tomas.M. Reiks

توماس.ام. ریکس/دانشگاه ایندیانا

۱۷ شهریورماه ۱۳۵۱ - صندوق پستی شماره ۱۲۴۵

## مجله بررسی‌های تاریخی

محترماً زحمت افزا میشود در شماره ۲ سال هفتم آن مجله شریفه راجع به تلگرافات صدیق الممالک بچند اشتباه املائی که با اصل تلگرافهای گراور شده مغایرت داشت برخورد منظرم رسید که باقید صحیح کلمات مزبور تقاضا کنم که در صورت اقتضای رأی عالی امر فرمائید در یکی از شماره‌های آینده مجله شریفه به اصلاح آنها اقدام شود.

- ۱ - در صفحه ۱۹۹ (تلگراف شماره ۱۸) سطره کلمه و جیع نادرست و صحیح آن (جیلی) است جیل بمعنای کرانه دریا میباشد.
- ۲ - در همان صفحه سطره ۱۵ کلمه (میکرد) اشتباه و (میکیرد) صحیح است
- ۳ - " " " " ۱۸ (صنیغه) نادرست و (ضیغه) بمعنای تنگنا صحیح است.

آنها باید باتتبع و تحقیق و جستجوی وسیع و همه جانبه در تواریخ عمومی و دیگر مصادر و منابع و کتابهای ده قرن اخیر بدست آورد . . . .  
کتاب قم در قرن نهم هجری دارای ده بخش است و شامل :

- ۱ - خصوصیات جغرافیائی ۲ - موقعیت کشوری ۳ - سیاست ۴ - اقتصاد
- ۵ - اوضاع اجتماعی ۶ - مذهب ۷ - والیان و حکام ۸ - خاندانها و شخصیتها
- ۹ - حوادث و رویدادها ۱۰ - آثار بازمانده میباشد که بطور مفصل درباره هر یک از موضوعات سخن گفته شده است .

در آخر کتاب ، فهرست مأخذ و منابع و فهرست های اعلام ، اماکن ، کتابها ، قبایل و طوایف ، فرق و مذاهب آمده است .

نویسنده باعلاقه فراوانی که به زاد گاه خود دارد در مورد انگیزه تألیف کتاب چنین نوشته اند : « . . . . نگارنده این سطور از قریب ده سال پیش در عرض اشتغالات دیگر خود یادداشتهائی را در زمینه قم گرد آورده است که در صورت تنظیم و تدوین به چهار تا پنج هزار صفحه بالغ میگردد . اخیراً نویسنده به تنظیم یادداشتهای مزبور باسبک خاصی آغاز نمود . در این تدوین تاریخ چهارده قرن قم به هشت دوره تقسیم شده است و برای هر دوره مجلد مستقلی اختصاص یافته است که مجلدی بعنوان « مقدمه و کلیات » و مجلد دیگری برای « مستدرکات دوره تاریخ به ۱۰ جلد بالغ میگردد » .

در آخرین صفحه کتاب ، انتشار کتاب « قم در دوره ایلخانان مغول » دومین مجلد از دوره ده جلدی تاریخ قم در چهارده قرن را به خوانندگان خود نوید داده اند و ما موفقیت ایشان را برای انتشار جلد دوم و همچنین سایر مجلدات این کتاب آرزو میکنیم .

### بررسیهای تاریخی

۱ - مؤلف ۸ دوره مزبور را بسدین طریق تقسیم نموده اند : سه قرن نخستین ، دوره سلجوقی ( تا حمله مغول ) دوره ایلخانان ( تا آخر سال قرن هشتم ) ، قرن نهم ، دوره صفویه ( از آغاز قرن دهم تا پایان فرمانروایی نادرشاه ) ، دوره قاجاریه ( از آغاز سلطنت کریم خان تا سال ۱۳۴۰ ق ) دوره معاصر .